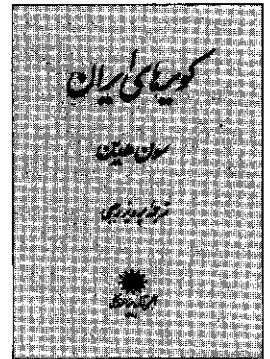


سون هدین و کویرهای ایران

○ مهران عادل



○ کویرهای ایران
○ تالیف: سون هدین
○ ترجمه: پرویز رجبی

○ ناشر: تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۱

مقدمه:

در نگرش و نگارش تاریخی ابزار و لوازم بسیاری لازم است که هرکدام به نوبه خود از اهمیت وافری برخوردارند. آن ابزار و لوازم گاه منابع مکتوب هستند و گاه منابع غیرمکتوب. هرکدام از این منابع به چند دسته تقسیم شده و اطلاعات و اخبار ذی‌قیمتی به دست می‌دهند. منابع مکتوب شامل آثار و کتابهایی هستند که از دوران‌های مختلف تاریخی به یادگار مانده‌اند. منابع غیرمکتوب نیز شامل آثار مادی (مثل مهرها، سکه‌ها، الواح، کتیبه‌ها و مانند آن) می‌باشند. می‌توان ادعان داشت که منابع هر دوره درواقع تصویری از آن دوران می‌باشند، هرچند ممکن است تصویر کاملی نباشند. از آن میان منابع مکتوب بر چند گونه‌اند مانند تواریخ عمومی، دیوان اشعار، تذکره‌ها، منشآت، سفرنامه‌ها، تواریخ محلی، خاطرات، گزارش‌ها و مانند آنها. در آن بین «سفرنامه‌ها» جنبه‌های مختلفی از زندگی اجتماعی را دربردارند.

سفرنامه‌ها توسط اشخاص مختلف همچون سفراء، جهانگردان، ماجراجویان، ادیبان و حتی افراد عادی که به صورت تفریحی به مسافرت می‌پردازند، نوشته می‌شوند. در سفرنامه‌ها گاه اطلاعات منحصر به فردی می‌توان یافت که در دیگر منابع نیست. این امر یکی از مهمترین ویژگی‌های سفرنامه‌ها می‌باشد. بدان جهت است که سفرنامه‌ها یکی از کارآمدترین منابع موردنیاز درباره تاریخ اجتماعی محسوب می‌گردند. سفرنامه‌ها درواقع پرده‌هایی از صحنه‌های مختلف زندگی اجتماعی هستند و بالطبع خوبی‌ها، بدی‌ها، زیبایی‌ها و زشتی‌ها را نمایان می‌کنند. ممکن است ترسیم‌کننده تابلوی سفرنامه چیره‌دست و پرحوصله باشد همانند پولاک و یا کم‌حوصله و پرتوقع باشد همچون سولتیگف. از طرف دیگر ممکن است گرفتار دریافت‌های عینی و ذهنی غلط خود باشد و در نتیجه تصویر نادرستی از جامعه به دست دهد مانند لیدی شیل، یا ذهن خویش را با ذهنیت فرهنگی کشورمان همراه کرده باشد مثل ادوارد براون. در آن بین باید دقت داشت که در سفرنامه‌ها، موضوعات به تصویر درآمده نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردارند. کانون توجه برخی، دربار و کاخ‌ها بوده است همانند انگلیبوت کمفرو. بعضی از آنان همچون لایارد به میان عشایر رفته‌اند و پاره‌ای نیز مانند سون هدین کویرها را بی‌موده‌اند. بعضی از آنها نیز گذشته‌ها را بیان کرده‌اند مثل جکسن. برخی هم

جنبه‌های غیرمتعارف را به تصویر کشیده‌اند همانند ماری پوتی.^۲ هرچند اکثر سیاحان بنا بر انگیزه شخصی و برای ارضای حس کنجکاوی خود به سفر می‌پردازند، اما باید دقت داشت که در میان سفرنامه‌های یکی دو سده اخیر تا اندازه زیادی سفرها جنبه اکتشافی، جاسوسی، علمی، بازرگانی، سیاسی، نظامی و طبی هم داشته‌اند.^۳

بسیاری از ایران‌پژوهان تشنه دانش و اکتشاف و چه بسا آزمند کار بودند. کسانی که حتی دور از زن و فرزند و وطن خویش و بدون بیم از خطرات و تهدید مرگ احتمالی و بدون اعتناء به خستگی و گرسنگی و انواع رنج‌ها و دشواری‌ها زندگی خود را وقف دانش و یا خدمت به وطن خویش کرده‌اند.^۴ بدان علت آثار آنها که اغلب به صورت سفرنامه، گزارش رسمی و خاطره به یادگار مانده است. اطلاعات ارزنده‌ای را از نظر مطالعات اجتماعی به دست می‌دهند. سفرنامه‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم می‌کنند که عبارتند از:

- ۱- سفرنامه‌های خیالی
 - ۲- سفرنامه‌های واقعی
 - ۳- سفرنامه‌های داستانی.
- آنها را به نحو دیگری نیز می‌توان دسته‌بندی کرد:
- ۱- سفرنامه‌های شخصی
 - ۲- سفرنامه‌های غیرشخصی.

زیرا سفرنامه‌ها قبل از این که خیالی، واقعی و داستانی باشند درواقع شخصی یا غیرشخصی هستند و در وهله بعد است که در ردیف یکی از سه نوع فوق‌الذکر قرار می‌گیرند. به عنوان مثال سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران که یکی از سفرنامه‌های ونیزیان در ایران می‌باشد، در وهله اول یک «سفرنامه شخصی» بود و سپس یک «سفرنامه واقعی» تلقی می‌گردد، چون بازرگان ونیزی بنا به میل شخصی خود به سفر پرداخته و دیده‌ها و شنیده‌های خویش را به رشته تحریر درآورده است.

در نوشتار حاضر از کتاب **کویرهای ایران** تألیف سون هدین تحت عنوان «سفرنامه» یاد خواهد شد و سعی می‌شود تا مشخص گردد که این سفرنامه به کدام دسته از انواع پیش گفته تعلق دارد. همچنین در این مقال عشق و علاقه

سون هدین نسبت به کویر بررسی می‌گردد. نیز بحث دربارهٔ این که آیا هدین بنا به میل خود این یادداشت‌ها را نگاشته است یا این که سفارت سوئد از او خواسته است که ماجرای سفرش را به صورت مکتوب عرضه نماید؟ از طرف دیگر، آیا این سفر سون هدین می‌تواند یک سفر سیاسی تلقی گردد؟ به راستی چرا او از طرف سفارت فرانسه حمایت شده و با استقبال نمایندگان سفارت انگلیس روبرو گردید؟ آیا انگیزهٔ هدین در این سفر می‌تواند انگیزه‌ای سیاسی بوده باشد؟ در زمانی که دولت فرانسه به فکر نفوذ به هندوستان و ضربه زدن بر مستعمرهٔ انگلیس بود، آیا ممکن است که آن دولت این شخص سوئدی را اجیر کرده باشد تا راه‌های نفوذ به هندوستان را تحقیق نموده و مکتوب نماید؟ از نگاهی دیگر، کتاب سون هدین یک سفرنامهٔ شخصی است یا یک سفرنامهٔ غیرشخصی؟

سون هدین و کویرهای ایران:

سون اندرسون فون هدین، جهانگرد دانشمند و با جرات سوئدی بود که بسیاری از نقاط سخت و دشوار ایران، افغانستان، هند و تبت را پیموده است. سون هدین بیش از نیمی از عمر طولانی خود را در سفر گذراندید و اولین بار در سال ۱۳۰۴ ه. ق. به ایران و بین‌النهرین (میان‌رودان) سفر کرد. او در سال ۱۳۰۸ ه. ق. به سمت منشی‌گری سفارت سوئد در ایران منصوب شد. در آن زمان وی به دلیل علاقه‌ای که داشت توانست به قلعهٔ دماوند صعود نماید. هدین در عرصهٔ پژوهش نیز دانشمند فعالی بود. تحقیقات عمدهٔ او دربارهٔ آسیای مرکزی است. او فلات تبت را پویید و سرچشمهٔ رودخانه‌های براهماپوترا، ستلج و سرچشمهٔ واقعی رود سند را پیدا کرد. از میان آسیا، آسیای مرکزی و تبت، جادهٔ ابریشم از مهمترین آثار او می‌باشند.

یکی دیگر از آثار سون هدین از راه زمین به هندوستان نام دارد که تمامی مطالب کتاب مربوط به ایران و کویرهای آن است. بدان علت عنوان ترجمهٔ آن به نام «کویرهای ایران» تغییر یافته است. مؤلف در این کتاب با سبک بیان دلنشین و چشمانی تیزبین از تمام جزئیات سفر خود - از شترهای کاروان تا ابرهای بالای سر خود، از تاریخچهٔ شهرها تا چهره و رفتار مأموران گمرک - به طور دقیق تصویربرداری کرده است. علاوه بر آن زیبایی‌ها و زشتی‌های هر شهر و روستا را چنان برای خواننده مجسم کرده که گویی خواننده خود آن محل را

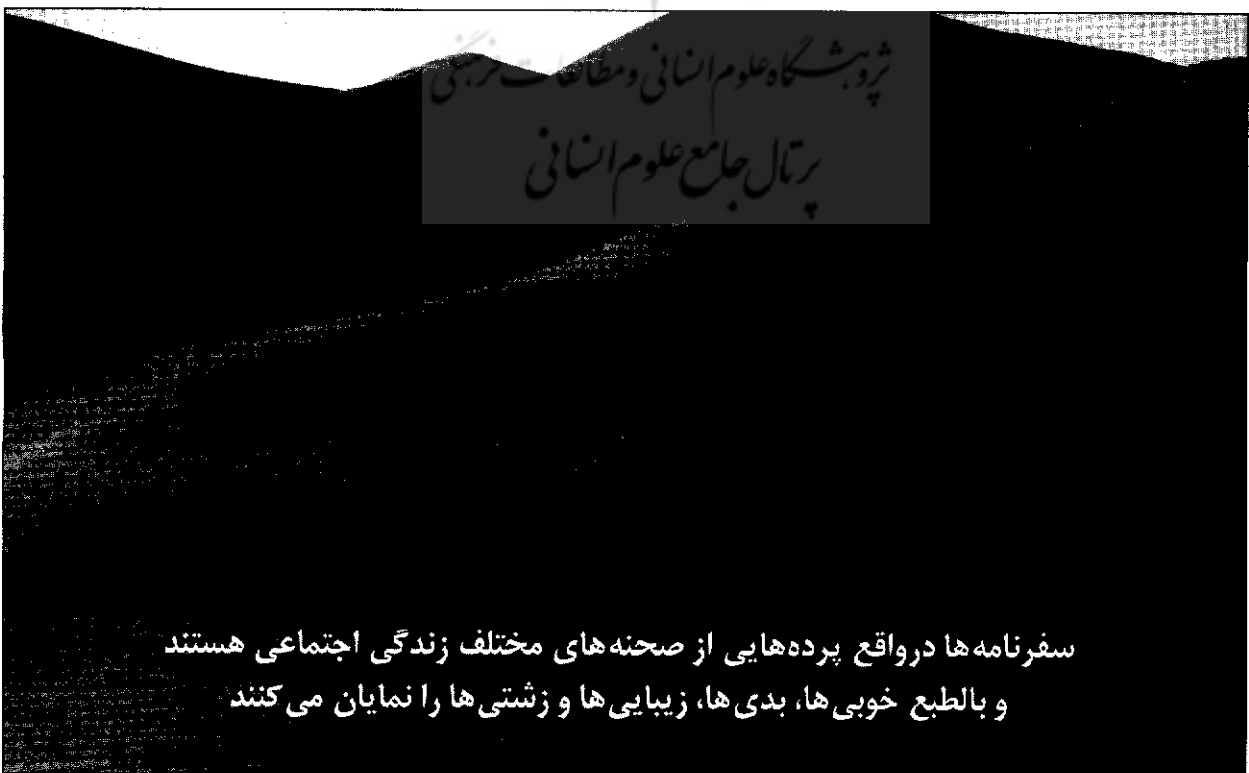
دیده است.^۵

سون هدین از راه باطوم، تفلیس، ایروان و نخجوان به تبریز و ایران آمد. در این زمان مظفرالدین شاه قاجار بر ایران سلطنت داشت.^۶ سون هدین دربارهٔ انگیزهٔ جهانگرد شدن خود می‌نویسد: «پسریچه‌ای که در سال‌های نخستین دبستان شغل آیندهٔ خود را می‌شناسد آدم خوشبختی است و من به این خوشبختی دست یافتم. دوازده ساله بودم که هدف آینده‌ام کاملاً برابرم روشن بود.»^۷ هدین که از چنین انگیزهٔ درونی برخوردار بود. در سفر کویری ایران هفت نفر خدمت‌کار داشت. آنها میرزا عبدالرسول، ابوالقاسم، مشهدی عباس (کربلایی عباس)، غلامحسین، حبیب‌الله، عباس قلی بک قزاق و کیل‌باشی و حسین علی بک قزاق بودند.^۸

هدین دربارهٔ آغاز سفر خود می‌نویسد: «کویر بزرگ یا نیروی جادویی شگرفش مرا به سوی خود جلب می‌کند. دلم می‌خواهد فوراً - در آن پایین - به طرف کویر بشتابم و به سکوت بزرگی فرادهم، که مثل ابری بر سطح هموارش سوار است...»^۹ او در باب ماهیت سفر خویش یادآور شده است که «... من به این جا نیامده بودم تا خودم را در شهرشناسی با مسائل غیرقابل‌علاجی مشغول بسازم، بلکه منظورم فقط این بود که برای یک سفر طولانی در صحرای شرق ایران کاروانی راه بیندازم...»^{۱۰} هدین این سفر را برای خود یک درسی از جغرافی می‌داند^{۱۱} و می‌افزاید: «... با میل می‌خواهم سفری کوتاه با صدای زنگ کاروان در دامنهٔ کوه بزرگی داشته باشم، اما نمی‌خواهم به صورت چوپانی، بین چوپان‌های دیگر، ناچار از ماندن در پای... کوه باشم»^{۱۲} این ماجراجویی و اعتقاد هدین نسبت به هدفش در جای جای کتابش نمایان است.

سون هدین اولین قدم به طرف کویر داخل ایران را از فیروزآباد [حوالی شهرری] و به تعبیر دیگر بین شهرری و ورامین] آغاز نمود.^{۱۳} سیاح سوئدی در این سفر از طرف شاه ایران و صدراعظم او حمایت می‌شد. طوری که شاه ایران امان‌نامه و فرمان‌هایی به حکام طیس، قم، سیستان و مقامات اداری خراسان نوشته و نسبت به حمایت از هدین از جهات معیشتی و مشورتی دستور داده بود.^{۱۴}

سون هدین در آغاز سفر کویری خود صدای زنگ شترها را همراه دائمی خود می‌دانست: «... پشت سرم زنگ دیگری نواخته می‌شود و این آهنگ در کویر



مقدسی آن را ذکر کرده‌اند.^{۳۳}

۵- راه جنوبی: که از شهر نرماشیر به فرح‌آباد-اولین آبادی حاشیه کویر بزرگ - می‌رود. هیئت سرفردریک گلداسمیت انگلیسی از این راه استفاده کرده است و سروان یوان اسمیت نیز در کتابش از آن راه یاد کرده است.^{۳۵}
نکته جالب در مورد سیاحت سون هدین آن است که او ضمن بررسی یادداشت‌های مارکوپولو، سیاح معروف ونیزی، اذعان می‌دارد که «مارکوپولو نه از کویر بزرگ عبور کرده است و نه اصلاً آن را دیده است، بلکه او از فرورفتگیهای لوت شمالی گذشته است...»^{۳۶} در این مورد اگر سون هدین با ترسیم نقشه‌ای، مسیر مسافرت خویش را نشان می‌داد خدمت شایانی می‌کرد.

سفرنامه سون هدین همچنین اطلاعات جامعه‌شناختی مهمی به دست می‌دهد. هدین به هنگام ورود به یک محل، آن جا را معرفی نموده و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن محل را تشریح می‌نماید. او سپس به توصیف مردم آن جا پرداخته و از شغل و آداب و رسوم آنها صحبت می‌کند. به عنوان مثال هنگامی که اوضاع نابسامان و آشفته اقتصاد دوران قاجار را می‌بیند پیش‌بینی می‌کند که ایران تحت استعمار اروپا درخواهد آمد: «... به این ترتیب که اقتصاد ایران اداره می‌شود، طولی نخواهد کشید که مملکت گرفتار بحرانی خطرناک شده و بی آن که راه نجاتی داشته باشند فدای سودجویی و استعمارطلبی اروپا خواهد شد.»^{۳۷} او همچنین با دقت در کردار و رفتار محمدعلی میرزای قاجار از شخصیت او که قرار بود شاه آینده ایران باشد چنین یاد می‌کند: «... او در من این اثر را نمی‌گذاشت که مردی باشد با اصل و نسب و شایسته پاسداری از سنتهای درخشان. او حتی قادر نخواهد بود که با دستی نیرومند کشتی حکومت ایران را حتی یک وجب، با زیرکی از میان صخره‌های زیر آب زمان بگذراند.»^{۳۸}

سون هدین با تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران آشنایی کافی داشت. وی ضمن سخن راندن از سفر خویش در بسیاری از موارد به وقایع تاریخی اشاره نموده و در آنها غور و بررسی می‌کند. او با بسیاری از اماکن تاریخی و وقایع تاریخی ایران آشنا بود.

شاید این سؤال بدبینانه باشد، اما به راستی آیا اعزام سون هدین به این سفر، آنها هم با اتبوهی اطلاعات نمی‌تواند دلیل خاصی داشته باشد؟
سون هدین در طی این سفر نقشه‌ای درباره مرز خلیج بزرگ کویرترسیم

همراه باوفای من است. هر قدم مرا از زمینی که از برکت آب و علف برخوردار است دورتر می‌کند. از سرزمین اهورمزدا دورم می‌سازد و به سرزمین فراموش شده اهریمن نزدیک می‌کند. جایی که فقط بیابان و خشکی حاکم است...»^{۳۹} او ادامه می‌دهد: «... قدرت عرفانی بی صدا و توقیف‌ناپذیر کویر مرا با قدرتی، که سلب مقاومت می‌کرد، به سوی خود می‌کشید. فکر می‌کردم که صدهای اسرارآمیزی می‌شنوم، که از اعماق خود مرا می‌خواندند: بر گرد خانه.»^{۴۰} هدین به راستی که از سفر خود در کویرهای ایران لذت می‌برد: «... از این که می‌توانستم از کویر بزرگ کویری که در آن اسکندر کبیر و مارکوپولو و نادرشاه اسم خود را جاودانی ساختند بگذرم، خوشحال بودم...»^{۴۱}

او همچنین می‌نویسد: «... من هرگز از شنیدن این صدای یکتوخت و کهنسال [صدای زنگوله شترها] با ضرب همیشگی و دلانگ و دولونگ جاودانیش سیر نخواهم شد. صدایی که من آنرا به دفعات شنیده‌ام و باز هم در من کششی به صحراهای ناشناخته و راه‌های نیمه‌محوه ایجاد می‌کند...»^{۴۲} مسافر سوئدی طوری با کویر و صدای زنگ شترها انس گرفته بود که با نحوه نواخته شدن زنگ‌ها حوادث تاریخی را تبیین می‌کرد. به عنوان مثال، می‌نویسد وقتی دولت‌های زیادی به‌وجود می‌آیند و نابود می‌شوند و مذهب‌ها و زبان‌ها عوض می‌شوند، زنگ کاروان‌ها مثل صدای خفه و تغییرناپذیری به صدا درمی‌آید.^{۴۳}
سون هدین به نقل از توماچک، پنج راه جهت نفوذ به کویر لوت را مشخص می‌نماید که از این قرارند:

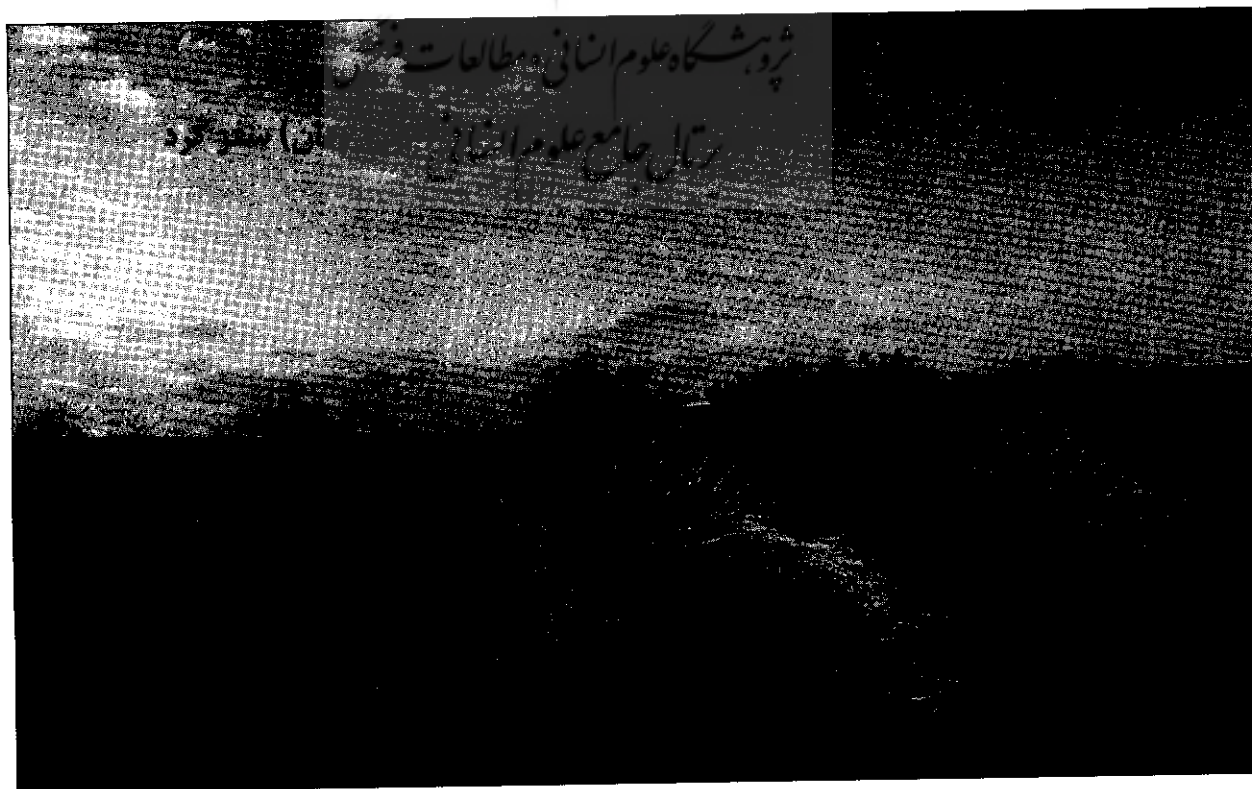
۱- راه شمالی: که از خبیص به خور شرقی می‌رود و به احتمال قوی همان راهی است که سرپرسی سایکس از آن استفاده کرده بود.^{۴۴}

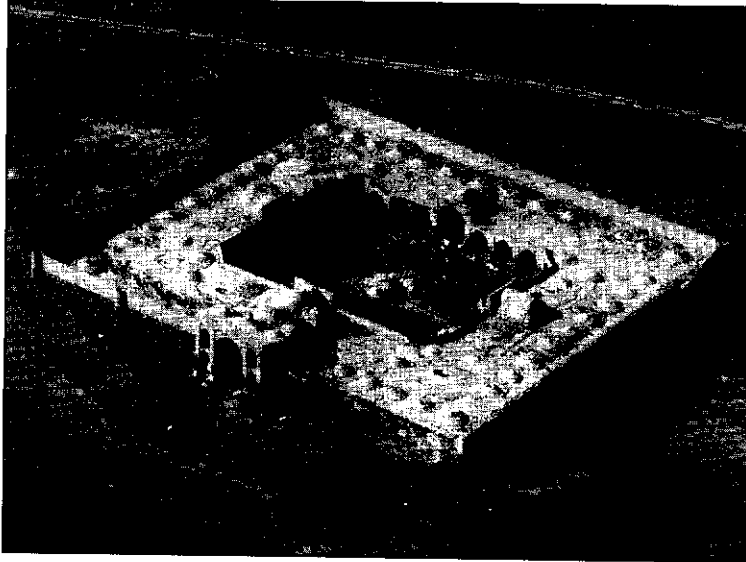
۲- راه خانیکوف: که از ازنه تا کرمان امتداد داشته و از میان بیابان لوت می‌گذرد.^{۴۵}

۳- راهی که از ازنه (از طریق ده سلم و باغ اسد) به سیف و خبیص می‌رود و هدین با آن آشنا بود.

توماچک آن راه را با عنوان «راه نرماشیر از طریق ده سلم و نه به فرح» مشخص کرده است و عرب‌ها این راه را «راه نو» نامیده‌اند.^{۴۶}

۴- راه ساینج (نصرت‌آباد جنوبی) به ده‌سلم: بنا به قول توماچک از این راه هیچ اروپایی استفاده نکرده است و فقط نویسندگان عرب همانند ادریسی و





روستاها و قلعه‌هایش برایم مشکل نخواهد بود، چون آنها را به صورت نوشته و تصویر در کتابهایم دارم.^{۳۱} بدین گونه سفر کوپری سون هدین به پایان می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - هدین، سون، کوپری‌های ایران. چاپ دوم. ترجمه پرویز رجیبی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۲ - جوانبخته مهرداد. ایرانی از نگاه انیرانی - خلق و خوی ایرانیان از نگاه سیاحان. اصفهان: نشر آموزه، ۱۳۷۹، ص ۱۳.

کرده بود. ^{۳۰} اما در این اثر، آن نقشه مشاهده نمی‌شود. از آنجایی که این سیاح سوئدی از طرف سفارت فرانسه حمایت مالی می‌گردید، آیا ممکن است که ترسیم یا تهیه آن نقشه یک امر سیاسی بوده باشد؟ از آنجایی که دولت فرانسه جهت ضربه زدن به دولت انگلیس، مستعمره آن دولت یعنی هندوستان را هدف قرار داده بود، آیا می‌توان کار هدین را یک امر سیاسی تلقی نمود؟ از سوی دیگر و از آنجایی که بارون رامل، سفیر سوئد، سون هدین را با توفیق

- ۳ - همان، ص ۱۴.
- ۴ - همان.
- ۵ - هدین، همان، پیشگفتار انجمن.
- ۶ - همان، ص ۱۵۴.
- ۷ - همان، صص ۸-۷.
- ۸ - همان، صص ۶۰-۱۵۸.
- ۹ - همان، ص ۲۲۵.
- ۱۰ - همان، ص ۱۵۱.
- ۱۱ - همان، ص ۱۵۸.
- ۱۲ - همان، صص ۶۰-۲۵۹.
- ۱۳ - همان، صص ۶۵-۱۶۴.
- ۱۴ - همان، ص ۱۷۱.
- ۱۵ - همان، صص ۷۵-۱۷۴.
- ۱۶ - همان، ص ۱۷۸.
- ۱۷ - همان، ص ۳۴.
- ۱۸ - همان، ص ۴۷.
- ۱۹ - همان، ص ۱۹۳.
- ۲۰ - همان، ص ۵۲۸.
- ۲۱ - شهری در حاشیه شمالی کوپری.
- ۲۲ - هدین، همان، صص ۲۸-۵۲۶.
- ۲۳ - همان، ص ۵۲۸.
- ۲۴ - همان، ص ۵۲۹.
- ۲۵ - همان.
- ۲۶ - همان، ص ۵۲۴.
- ۲۷ - همان، ص ۱۲۴.
- ۲۸ - همان، ص ۱۲۶.
- ۲۹ - همان، ص ۴۰۷.
- ۳۰ - همان، ص ۲۵.
- ۳۱ - همان، ص ۲۵.
- ۳۲ - همان، ص ۲.
- ۳۳ - همان، صص ۹-۵۸.
- ۳۴ - همان، ص ۱۵۱.
- ۳۵ - همان، ص ۱۵۳.
- ۳۶ - همان.
- ۳۷ - همان، ص ۱۶۵.
- ۳۸ - همان، ص ۱۲۴.
- ۳۹ - همان، ص ۶۴۰.

پاشا وزیر خارجه و فرید پاشا صدراعظم ترکیه آشنا کرده بود،^{۳۱} آیا می‌توان هدین را یک شخصیت سیاسی دانست؟ آیا می‌توان سفرنامه وی را گزارشی سیاسی دانست؟ از طرفی دیگر و از آنجایی که کنسول فرانسه به هدین خبر داده بود که محمد رشاد، والی ولایت طرابوزان، دستور یافته بود که در امر سفر به سون هدین کمک نماید^{۳۲} آیا این امر می‌تواند نشانگر موقعیت سیاسی هدین باشد؟ همچنین از آنجایی که سون هدین مدتی منشی سفارت سوئد در ایران بود^{۳۳} آیا سفرنامه وی می‌تواند به نوعی گزارش سیاسی تلقی گردد؟ به راستی، چرا کنسول‌گری فرانسه در ارزروم به کمک سون هدین شتافته بود؟^{۳۴} چرا سون هدین توسط گرانت داف انگلیسی به مهمانی دعوت شده بود؟^{۳۵} از آنجایی که سون هدین در جایی از کتابش آورده است ناگفته نماند که در ایران، سوئدیها - یعنی من و هیئت - تحت حمایت سفارت فرانسه هستیم و من هنوز به درستی نمی‌دانم که چرا...^{۳۶} آیا با این سخن می‌توان گفت که سون هدین از طرف سفارت فرانسه حمایت شده است؟^{۳۷} به راستی چرا سون هدین یادداشت‌های خود را با کیسه پستی سفارت انگلیس و با پست مخصوص به لندن و استکهلم می‌فرستاد؟^{۳۸} از نگاهی دیگر و از آنجایی که سون هدین در ارائه اطلاعات و گزارش‌های خویش جانب اعتدال و انصاف را مراعات نموده و از واقعیت غافل نگشته است شاید اشتباه باشد تصور شود که او به دنبال منافع و مطامع استعماری غربی‌ها به ایران سفر کرده است. چون همو با مشاهده اوضاع اقتصادی نالیده و ضمن هم دردی پیش‌بینی کرده بود که ایران گرفتار سودجویی و استعمار اروپاییان خواهد شد.^{۳۹} با این اوصاف شخصیت و ماهیت سفر سون هدین را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

نتیجه:

سون هدین در این اثر به شیوه‌ای داستانی قلمفرسایی کرده است. طوری که هرکس کتاب وی را مطالعه کند احساس می‌کند یک داستان بلند خوانده است. خواننده با مطالعه سفرنامه هدین به راحتی می‌تواند مناطق مسافرت او را در ذهن خویش تداعی نماید. زیرا مطالب سفرنامه سون هدین ادیبانه و شاعرانه است. به تعبیر دیگر این اثر در واقع «داستان» سفر هدین به کوپری بزرگ است که در آن خاطرات سفر وی به صورت داستان بیان شده است. از آنجایی که سون هدین پیر دوازده سالگی جهانگردی را به عنوان شغل آینده خود انتخاب کرده و پنا به میل خود به مسافرت پرداخته بود، بنابراین سفرنامه او در وهله اول یک سفرنامه شخصی تلقی گشته و در وهله دوم یک سفرنامه داستانی محسوب می‌شود. سون هدین در پایان سفر خویش جنایی از کوپری راه علی‌رغم میل باطنی‌اش، مشکل نمی‌داند. «... جنایی از این کوپری‌های بزرگ و ساکت و نخلهایش و